

همایون خرم؛ عاقل عاشق



بردیا صدرنوری

نوازنده پیانو
و مدیر جشنواره و
جایزه همایون خرم

امروز سالروز تولد آهنگساز، نوازنده ویلون و هنرمند اخلاق مدار، مهندس امیرهمایون خرم است. کیفیت زندگی ۸۲ ساله مهندس همایون خرم می‌تواند نمونه‌ای ناب از یک هنرمند اصیل ایرانی و الگویی مناسب برای فرزندان ایران زمین باشد.

تربیت در خانواده‌ای اصیل و فرهنگی، بهره‌مندی هنری و اخلاقی تمام و کمال از مکتب استاد صبا، تحصیلات آکادمیک در رشته مهندسی، نوازندگی و

آهنگسازی و خلق ملودی‌های ماندگار، معلمی و تربیت شاگردان فراوان، ایمان قلبی، ممارست و خودسازی مستمر، تقید به آداب اجتماعی، خانواده دوستی، سلامت نفس و نفروختن هنر به هر قیمتی و به هر کس و...، همه‌وهمه بخشی از ویژگی‌هایی است که ایشان را نام آور کرده است. این ویژگی‌ها می‌تواند سرمشق خوبی برای نوجوانان وجوانان هنر آموز باشد. آنان که به دورازهایهوی زندگی امروزی و نگاه‌های تک بعدی، هیچانی، نمایشی و افراطی درهنر، باید بدانند رمز موفقیت در زندگی، ترکیب عقل وعشق و آمیختن منطق واحساس، در کنار

پایبندی به بسیاری اصول اخلاقی وممارست در تعلیم است. ویژگی که استاد خرم بدان آراسته بود.

مهندس رضا خرم فرزند استاد خرم در کتاب «بس نکته غیر حسن بایید...» که به قلم وی و دوست مهران، علی وکیلی (از شاگردان استاد خرم) ازسوی انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری راد نواندیش منتشر شده، آورده است که: «همایون خرم مجموعه‌ای از عقل وعشق بود و نشان داد که آب عقل و عشق می‌تواند به یک جو برود. البته تحت شرایطی، او عشق و عقل را لازمه پرواز می‌دانست اما نه به تعبیر دو بال یکسان برای پرواز، بلکه معتقد به این عبارت شمس تبریزی بود که می‌فرماید عقل، آدمی را تا در بارگاه می برد اما برای ورود به بارگاه می‌بایست عقل را یک سو نهاد و با عشق وارد شد. فی الواقع پدر در تمام امور زندگی کاملاً از عقل بهره می‌جست و معتقد بود در کلیه موارد باید تفکر کرد و تصمیمات عقلانی گرفت.» امروز و در آستانه نودمین سالروز ولادت همایون خرم، جای شادمانی بسیار است که دیده می‌شود راه هنری و اخلاقی او در میان نسل جدید هنر آموزان، مستدام است. حضور چشمگیر کودکان و نوجوانان علاقه‌مند موسیقی در شش دوره جشنواره و جایزه همایون خرم (نوی خرم) شهادی است براین مدعا.

وقت شناسی؛ هنری که ما نداریم

هنر خوشنویسی به نام ترکیه ثبت جهانی می‌شود؟

از مراکز هنر خوشنویسی بوده و هست؛ اگرچه آنها بیشتر در خطوط نسخ و ثلث و کتابت قرآن کریم موفق عمل کرده‌اند و پیش از سده نهم و به قدرت رسیدن عثمانی نیز سابقه‌ای در این هنر ندارند. بر هنرمندان خوشنویس جهان اسلام هم پوشیده نیست که قاعده‌مند کردن خطوط شش گانه، توسط ایرانیان صورت گرفته و نستعلیق و شکسته‌نستعلیق خطوط خاص ایرانیان است و خوشنویسی از ایران به جهان اسلام گسترش یافته و این شاگردان میرعماد (خوشنویس عهد صفوی)، بودند که از هند تا مصر به پرورش شاگرد پرداختند. این را هنرمندان می‌دانند اما وقتی پای سیاست به ماجرا باز می‌شود فضا تغییر می‌کند.

روی سخن با مسئولانی است که ساده‌اندیشانه تصور می‌کنند ترکیه برای بهادادن به خط ایرانی و عربی اقدام به ثبت جهانی خوشنویسی کرده است و دنبال تفاهم و ثبت میراث مشترک با ترکیه هستند؛ این کشور در نهایت هوشمندی سه دهه است با برنامه‌ریزی دقیق مشخصاً در حوزه خوشنویسی، تلاش داشته آنچه میراث قرن‌ها هنر ایرانیان بوده، با نادیده گرفتن تاریخ خوشنویسی ایرانی، به‌نام خود به جهان عرضه کند؛ در این راه از چاپ کتاب و آوردن نام میرعماد حسنی قزوینی به‌عنوان خوشنویس استانبولی‌تا تلاش برای تغییر نام نستعلیق به تعلیق تا برگزاری انواع جشنواره‌ها و جذب هنرمندان ایرانی در استانبول فرودگذار نکرده وامسال که ایران امکان ارائه پرونده‌ای در یونسکو ندارد، فرصت را غنیمت شمرده و برای ثبت جهانی هنر خوشنویسی اسلامی اقدام کرده است. آنها فیلمی ده دقیقه‌ای از کتیبه‌های مساجد و سابقه این هنر و نسخه‌های قدیمی خطی خود تهیه کرده‌اند و با شعار «قرآن در مکه

افسانه پرچکانی

خبرنگار

در خبرها آمده وزارت فرهنگ کشور ترکیه، پرونده هنر خوشنویسی را برای ثبت به عنوان میراث ناملموس یونسکو ارسال کرده؛ این در حالی است که ایران برای سال ۲۰۲۱ یا ۲۰۲۲ قصد داشت چنین اقدامی انجام دهد و یک بار دیگر مسئولان فرهنگی ایران از ترکیه جانم‌دند اما به جای پاسخگو بودن نسبت به دلیل تعلل در ثبت هنر خوشنویسی طی یک دهه گذشته، پاسخ می‌دهند ثبت میراث ناملموس انحصاری نیست و هر کشوری که خوشنویسی دارد می‌تواند این هنر را ثبت کند. این پاسخ **مصطفی پورعلی** مدیرکل دفتر ثبت آثار، حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی به هنرآنلاین بوده است!

و اوقات آشکار ترکیه با ایران در ثبت آثار بویژه خوشنویسی را به فضای رسانه‌ای نسبت می‌دهد و مثال‌هایی از ثبت میراث ناملموس استانی می‌آورد که قابل مقایسه با برنامه‌های جهانی ترکیه نیست. از سوی دیگر حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران می‌گوید باید خوشحال باشیم که ترکیه به خط ایرانی و عربی بها می‌دهد و هر سال جشنواره بزرگ خوشنویسی برگزار می‌کند. طبیعی است با شنیدن این خبرها قلب هر ایرانی به درد می‌آید و امیدش بیش از گذشته، نابود و اعتما‌دش به مسئولان تخریب می‌شود؛ نه به این دلیل که ترکیه با برنامه‌ریزی دقیق سرمایه‌های ما از جمله مولانا و خوشنویسی را به نام خود کند و ما فقط تماشاچی هستیم؛ بلکه به این دلیل که مسئولان ایرانی حتی متوجه عمق ماجرا نیستند و از ما می‌خواهند خوشحال باشیم. کسی نمی‌تواند هنرمندان خوشنویس ترکیه را نادیده بگیرد و استانبول همواره یکی

ثبت در یونسکو به منزله جهانی بودن است نه ثبت ملی یک کشور

به‌طور اتفاقی در تماس با یکی از مطلعین سازمان میراث فرهنگی متوجه شدم که هر کشوری که هنری دارد می‌تواند آن را به‌عنوان یک شیوه و مکتب در جهان ثبت کند نه به‌عنوان ثبت ملی کشورش. ایشان برای من متنی فرستادند که کاملاً گویای این موضوع است.

در این متن آمده: «طبق کنوانسیون مصوب سال ۲۰۰۳ در یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد)، میراث فرهنگی ناملموس جوامع و کشورها شامل رسوم، بازنمایی‌ها، تجلیات، دانش‌ها، مهارت‌ها و ابزارها، اشیا، دست‌ساخته‌ها و فضا‌های فرهنگی مرتبط با آنهاست و ثبتشان، احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌دهد. از این رو، کشورها تلاش می‌کنند با ثبت میراث ناملموس خود، علاوه بر حفظ و نگهداری آن از خطر انحراف یا انقراض، توجه دیگر ملل را به آن مقوله جلب کنند.» بنابر این باید به منزله یک میراث بشری در یونسکو ثبت شود و این کار به منزله انحصاری بودن هنر یک کشور نیست. در حقیقت جهانی بودن مد نظر یونسکو است. مثل موزه‌ها که آثاری را نگهداری می‌کنند. مثلاً در یکی از موزه‌های کشور فرانسه بخشی است به‌نام هنر ایران باستان که به معنای این نیست که آن آثار ایرانی مربوط به کشور فرانسه است. داستان ثبت آثار ملموس و غیرملموس هم همین است. بعضی هنرها در بین کشورها مشترک است. مثلاً هنر ابری‌سازی یا ابر و باد که روی کاغذ به اشکال مختلف رنگ آمیزی می‌کنند. در چین، ژاپن، ترکیه، ایران و برخی کشورهای عربی این کار انجام می‌شود و اگر کشوری آن را ثبت کند نشان دهنده میراث بشری است نه میراث ملی آن کشور. ما نگران بودیم که خط نستعلیق، شکسته و خط تعلیق که خط خاص ایرانی است به‌نام کشور ترکیه ثبت شود اما وقتی بررسی کردیم متوجه شدیم جای نگرانی نیست و این ثبت‌ها میراث جهانی است.



علی شیرازی

خوشنویس

■ **دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹**
■ **سال بیست و ششم**
■ **شماره ۷۳۸۰**



پیوند فرهنگی نسل جدید و نسل پیشین هنرمندان اصیل موسیقی، بواسطه ملودی‌ها، آهنگ‌ها، ترانه‌ها و اشعار همیشه زنده، جاودانگی این میراث معنوی را نوید می‌دهد و در این میان، بی‌شک هنر و اخلاق هنرمندان بزرگی چون همایون خرم، نقش بسزا و مؤثری در این انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده دارد.

روزاول که سر زلف تو دیدم گفتم / که پریشانی این سلسله را آخر نیست
سر پیوند تو تنها نه دل حافظ راست / کیست آن کش سر پیوند تو در خاطر

نیت

■ **دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹**
■ **سال بیست و ششم**
■ **شماره ۷۳۸۰**

گفت‌وگو با کیوان صادقی، نویسنده اثر شایسته تقدیر جایزه مهرگان ادب

ذهنی نویسی گریبان ادبیات امروزمان را گرفته

مریم شهپازی

خبرنگار

«دوازده نت برای سکوت» عنوان اثری نوشته کیوان صادقی است که با همراهی نشر نیماژ در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته، اثری که موفق به کسب عنوان شایسته تقدیر بخش داستان کوتاه جایزه «مهرگان ادب» برای نویسنده‌اش شده است. این مجموعه داستان روایتی است از شرایطی که کارگران افغان در مهاجرت به کشورمان برای عبور از مصائبی که سرزمین‌شان گرفتار آنها شده تجربه می‌کنند؛ از نگاه‌های افراطی و گاه نژادپرستانه گرفته تا تعاملات نابرابری که با مالکان ساختمان‌ها به‌عنوان صاحبکاران خود دارد.

■ **از «دوازده نت برای سکوت» بگویید و اینکه چرا این نام را برای آن انتخاب کرده‌اید؟**

این مجموعه دربردارنده دوازده داستان به هم پیوسته است، با اینکه می‌توان هر داستان را مستقل از دیگر داستان‌ها خواند اما همه آنها در نهایت یک هدف نهایی را دنبال می‌کنند که توجه مخاطب را به تصویر مهم‌تری جلب می‌کنند. این دوازده داستان و ماجرا‌های رخ داده در آنها را می‌توان نماد چرخه مداومی دانست که در یک موقعیت مکانی رخ داده و حتی با جابه‌جایی آدم‌ها باز هم تکرار می‌شوند؛ چرخه‌ای که آدم‌های تشکیل دهنده آن دو گره کارگران مهاجر و مالکان هستند، مطالعه این داستان‌ها شما را با روابط نابرابر میان طبقه‌بالادست و فرودست مواجه می‌کند.

■ **و این تصویر مهم‌تر چیست؟**

این تصویر بیانگر جدال نابرابری است که کارگران افغان در مواجهه با مهاجرت تجربه می‌کنند، جدالی که خود را در شکل‌های مختلفی از جمله تنهایی، تلاش برای زنده ماندن و آمارا معاش نشان می‌دهد و چرخه‌ای بی‌پایان را شامل می‌شود که نام کتاب به نوعی اشاره به آن است.

■ **این مجموعه داستان در باره افغان‌ها و مشکلات پیش‌روی آنان در مهاجرت به کشورمان است؟**

بله و البته در خلال پرداخت به هر داستان نیم‌نگاهی نیز به آنچه داشته‌ام که بر افغان‌ها در کشور خودشان گذشته، اینکه آنان چه سختی‌ها و مصائبی را پشت سر گذاشته‌اند که در نهایت راضی به مهاجرت و قبول مواجهه با مشکلاتی تازه شده‌اند. این مجموعه روایتی از اتاق‌های نیمه‌کاره ساختمان‌های در حال ساختی است که اغلب مابقی تفاوت حال کناری آنها می‌گذریم؛ بی‌آنکه بدانیم در پس پرده زندگی هر یک از ساکنان آنها چه می‌گذرد. انتشار خبر انفجار بمب یا انجام عملیات تروریستی در کابل و هرات برای من و شما تنها در حکم یک خبر است و شاید عجیب باشد بدانید که اتفاقات یک جغرافیای وسیع‌چطور در آن اتاق کوچک آوار می‌شود و برای آنان در حکم یک فاجعه است.

■ **این داستان‌ها تا چه اندازه برگرفته از واقعیت هستند؟**

هر دوازده داستان این کتاب برآمده از تجربه‌های زیستی‌ما در برخورد با کارگران مهاجر افغان است؛ از آنجایی که حرفه اصلی‌ما معماری است، تجربه زیستی بسیاری در برخورد با آنان به دست آورده‌ام و از همین رو، به بسیاری خصوصیات اخلاقی‌شان برده‌ام و می‌دانم باوجود برخی تفکرات اشتباهی که در ذهن‌ما شکل گرفته برخورد را از ویژگی‌های مثبتی هستند.

■ **چرا مهاجران افغان؟**

شاید به این خاطر که خودمان را از زاویه دید یک ناظر خارجی ببینیم؛ ایران دربردارنده جمعیت بزرگی از مهاجران است که بخشی از آنان را افغان‌ها تشکیل می‌دهند. در نتیجه تجربه‌ای که از برخورد و کار با مهاجران افغان به دست آورده‌ام بیش از قبل متوجه شدم‌ام که ما ایرانیان باوجود ادعای بسیاری که در رد تبعیض نژادی داریم اما رفتار درستی با این مهاجران نداریم. این در شرایطی است که خودمان هم تجربه‌های گاه ناخوشایندی از مهاجرت به برخی کشورها یا اروپایی کسب کرده‌ایم و به این مسأله هم معترض هستیم. برای این مجموعه داستان، مصاحبه‌های طولانی متعددی با مهاجران انجام داده‌ام، فیش نویسی‌های بسیاری جمع‌آوری کرده‌ام و درباره حقایق تلخی اطلاعات کسب کرده‌ام. منتهی بخشی از این واقعیت‌ها آنقدر تلخ است که شاید برای مخاطب شایویندیز نباشد؛ از عرض ضرع‌بران بخش‌هایی صفر نظر کردم.

■ **چرا از عرض‌عربان حقایق صفر نظر کردید؟**

به گمانم مخاطبان ایرانی آمادگی چندانی برای پذیرش آن ندارند؛ اما نکته‌ای که متوجه شدم‌ام این است که ما ایرانیان گرفتار نوعی خوبرتر بینی شده‌ایم. با نشان دادن آنچه بر مهاجران افغان می‌گذرد سعی کرده‌ام تا اندازه‌ای نگاه اشتباهی که متوجه افغان‌هاست را تصحیح کنم؛ از سوی دیگر این داستان‌ها را می‌توان تلنگری دانست که نشان می‌دهد جامعه‌ای که گرفتار تعصب و قومیت‌گرایی شده چه سرنوشتی در انتظار آن است.

■ **به نظر می‌رسد نویسندگان جوان بیش از پیش متوجه ضرورت پرداخت به مسائل اجتماعی در آثار خود شده‌اند؛ بیش از نویسندگان نسل‌های قبل!**

بله، خوشبختانه شاهد انتشار کارهای خوبی هستیم که نشان‌گرفته از تجربه‌های زیستی نویسندگان جوان است؛ با این حال بخش بزرگی از ادبیات امروزمان دچار ذهنی نویسی شده. نویسندگان بدون برخورداری از تجربه‌های زیستی کافی، تنها با اتکابه روابط محدود با برخی گروه‌های ادبی و مطبوعاتی دست به تألیف آثار خود می‌زنند. نویسندگانی که دور حصار کشیده آثاری می‌نویسد که بیشتر حدیث نفس شخصی است، آن هم بدون بهره‌گیری از تاریخ، جغرافیا و... معتقدم ادبیاتی که منجر به گفت‌وگو نشود در کشور ما کارکرد چندانی ندارد. ادبیات ذهنی بیشتر مناسب جوامعی است که خیلی از مسائلی را که امروز با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم حل کرده‌اند.

■ **اثر شما به عنوان مجموعه داستان شایسته تقدیر جایزه مهرگان ادب انتخاب شده، ارزیابی‌تان از اثر گذاری جوایزی از این دست چیست؟**

در شرایطی که از جای خالی نقد در عرصه ادبیات رنج می‌بریم، جوایز ادبی در صورت برپایی اصولی تا حدی قادرند جای خالی این خلأ بزرگ را پر کنند. نویسنده بعد از نوشتن یک اثر حرفش را زده و باید منتظر بماند تا اثرش مورد نقد و بررسی منتقدان قرار گیرد. با این حال نه خبری از منتقدان بی‌طرف است که به دور از علوت یا رفاقت نوشته‌اش را بررسی کنند و نه خبری از جوایز ادبی اصولی است که بخشی از این بار را به دوش بکشند. البته در موارد انگشت شماری هم شاهد برپایی جوایز ادبی خوبی نظیر مهرگان هستیم با معدود منتقدانی که اصولی آثار را نقد می‌کنند که اینها به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسند.

■ **و مهم‌ترین آسیب این مسأله از چه می‌آید؟**

مخاطبان به نوشته‌های نویسندگان معاصر بدگمان می‌شوند چرا که گاه بر مبنای گفته‌های قلم رسانه‌ای انتخاب جایزه‌ای ادبی سراغ کتابی می‌روند که هیچ ارزشی ندارد و بر همین اساس کم کم آثار ترجمه شده را به تألیف‌ها ترجیح می‌دهند. اگر جامعه‌ای ادعای روشنفکری دارد اصل فعالیت‌های خود را بر پایه‌یسته‌سازی نگذارد ادبیات معاصرمان ضربه‌ای جدی می‌خورد. هر چند که در نهایت آثار خوب را خود راه‌یابا می‌کنند اما در صورت ادامه این روند باید منتظر آسیب‌های مقطعی به ادبیات باشیم.

■ **کتاب دیگری آماده‌انتشار دارید؟**

بله، کتاب به عنوان «پاترام» که با نگاه به مسائل و مشکلات اجتماعی نوشته‌ام، این کتاب به همراهی نشر نیماژ در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد که در حال حاضر مراحل کسب مجوز آن سپری می‌شود.

نازل شد، در مصر تلاوت شده و در استانبول نوشته شده است) به یونسکو ارائه داده‌اند.

خوش به حال خوشنویسان استانبول که غلط است. ما امروز نمی‌توانیم از ترکیه گله کنیم که چرا کار درستی برای هنر و فرهنگ کشورش انجام داده اما می‌توانیم بیرسیم نهادهای مسئول ما چرا حتی توان پیگیری ثبت جهانی اصیل‌ترین هنر ایرانی را ندارند و دیگر کشورها هر روز درستی می‌اندازند و لقمه‌ای از سفره میراث ایران برمی‌دارند؟ چرا پیگیری‌های یک دهه گذشته خوشنویسان برای ثبت این هنر بی‌نتیجه مانده است؟ چرا با وجود آشکار بودن مسیر تلاش‌های ترکیه، آنقدر تعلل صورت گرفته تا شاهد آن باشیم که خوشنویسی ایران زیر سایه سنگین استانبول قرار گیرد؟ چه برنامه‌ای برای ثبت نستعلیق و خطوط ایرانی دارید؟ انتظار می‌رود مدیران ارشد دولت با دستوری ویژه یک بار برای همیشه به این ناهماهنگی‌ها و کم‌کاری‌ها پایان دهند تا از این پس شاهد ثبت میراث ایران باشد اما یک سیاست درست برای هنر و

نوشته شده است) به یونسکو ارائه داده‌اند.

خوش به حال خوشنویسان استانبول که غلط است. ما امروز نمی‌توانیم از ترکیه گله کنیم که چرا کار درستی برای هنر و فرهنگ کشورش انجام داده اما می‌توانیم بیرسیم نهادهای مسئول ما چرا حتی توان پیگیری ثبت جهانی اصیل‌ترین هنر ایرانی را ندارند و دیگر کشورها هر روز درستی می‌اندازند و لقمه‌ای از سفره میراث ایران برمی‌دارند؟ چرا پیگیری‌های یک دهه گذشته خوشنویسان برای ثبت این هنر بی‌نتیجه مانده است؟ چرا با وجود آشکار بودن مسیر تلاش‌های ترکیه، آنقدر تعلل صورت گرفته تا شاهد آن باشیم که خوشنویسی ایران زیر سایه سنگین استانبول قرار گیرد؟ چه برنامه‌ای برای ثبت نستعلیق و خطوط ایرانی دارید؟ انتظار می‌رود مدیران ارشد دولت با دستوری ویژه یک بار برای همیشه به این ناهماهنگی‌ها و کم‌کاری‌ها پایان دهند تا از این پس شاهد ثبت میراث ایران باشد اما یک سیاست درست برای هنر و

■ **چه کسی باید پاسخگو باشد؟**

اینکه ترکیه یا امارات تلاش دارند با برگزاری انواع حراج‌ها و جشنواره‌ها، بهترین هنرمندان کشورهای اسلامی بویژه ایران را جذب کنند یا بهترین آثار موجود خطی را جمع‌آوری کنند برای ما شاید دردناک باشد اما یک سیاست درست برای هنر و

حجت‌الله ایوبی در گفت‌وگو با «ایران»:

حساسیت خوشنویسان قابل ستایش است

ترکیه هیچ پروژه‌ای برای ثبت هنر خوشنویسی ندارد

مریم سادات گوشه

خبرنگار

چندی است که اخبار ضد و نقیض در خصوص ارسال پرونده هنر خوشنویسی کشور ترکیه به یونسکو حساسیت بسیاری نسبت به این موضوع را در بین مردم و خوشنویسان کشور برانگیخته است. چرا که کشورهای همسایه از دیرباز سعی در ثبت مفاخر ملی و فرهنگی ایران داشته‌اند و این حساسیت‌ها کاملاً طبیعی و بجاست که خوشنویسان می‌خواهند آثار هنری ایران را که قدمتی چند صد ساله دارد با تمام وجودشان حفظ کنند.

حجت‌الله ایوبی دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در این خصوص به می‌گوید: «در مورد ارسال پرونده هنر خوشنویسی کشور ترکیه به یونسکو هم من به‌عنوان دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران و هم دکتر محمد حسن طالبیان معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی رسماً اعلام کردیم که چرا سال ۲۰۲۱ از سوی ایران انتخاب شده است تا هنر خوشنویسی در فهرست انتظار ثبت میراث ناملموس قرار بگیرد، افزود: «ما پروژه‌های بسیاری در دست اقدام داریم و اتفاقاً میراث ملموس و ناملموس بسیاری را به ثبت رسانده‌ایم یا در حال ارسال پرونده هستیم این پرونده هم در دستور کار است و میراث فرهنگی بخوبی این کار را انجام می‌دهد. در سال ۲۰۲۱ هنر خوشنویسی در فهرست انتظار ثبت میراث ناملموس ایران با عنوان «اقدامات پاسدارنده خوب» قرار دارد.»



سازد، تصریح کرد: «ترکیه عضو کشورهای اسلامی و آرسیکا است و هر ساله هم برای خوشنویسی برنامه بسیاری دارند و تلاش فراوانی می‌کنند. این موضوع توسط سازمان کنفرانس اسلامی ایران دارنده؟ انتظار می‌رود مستحکم کردن تلاش‌ها و به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی می‌کند. به‌عنوان نمونه، مشهد در سال ۲۰۱۷ از سوی آیسسکو سازمان اسلامی، آموزشی، علمی و فرهنگی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام انتخاب شد. امسال ترکیه پیشنهاد کرد که در سال آینده (۲۰۲۱ میلادی)، استانبول را توجه به رویکرد خوشنویسی، پایتخت فرهنگی شود. بنابراین بحث ثبت خوشنویسی در یونسکو مطرح نیست و ترکیه نیز چنین پیشنهادی را مطرح نکرده است.»

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران در پاسخ به برخی انتقادات که چرا سال ۲۰۲۱ از سوی ایران انتخاب شده است تا هنر خوشنویسی در فهرست انتظار ثبت میراث ناملموس قرار بگیرد، افزود: «ما پروژه‌های بسیاری در دست اقدام داریم و اتفاقاً میراث ملموس و ناملموس بسیاری را به ثبت رسانده‌ایم یا در حال ارسال پرونده هستیم این پرونده هم در دستور کار است و میراث فرهنگی بخوبی این کار را انجام می‌دهد. در سال ۲۰۲۱ هنر خوشنویسی در فهرست انتظار ثبت میراث ناملموس ایران با عنوان «اقدامات پاسدارنده خوب» قرار دارد.»